

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سبک شناسی معماری ایرانی

تألیف شادروان

دکتر محمد کریم پیرنیا

تدوین

دکتر غلامحسین معماریان

نشر معمار

آذر ماه ۱۳۸۳

پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۰۱ - ۱۳۷۶.
 سبک‌شناسی معماری ایرانی / محمدکریم پیرنیا؛ تدوین غلامحسین معماریان. — تهران:
 سروش دانش، ۱۳۸۲.
 ۳۷۱ ص. : مصور (بخشی رنگی)، نقشه.
 ISBN 964-96113-2-0 : ۴۲۰۰۰ ریال
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 چاپ قبلی: معمار، ۱۳۸۳.
 کتابنامه: ص. ۳۵۹ - ۳۶۱.
 نمایه.
 ۱. معماری - ایران - تاریخ. ۲. معماری اسلامی - ایران. الف. معماریان، غلامحسین.
 ۱۳۳۹ - ب. عنوان.
 ۷۲۰/۹۵۵ NA ۱۲۸۰/۹۴ س۲
 کتابخانه ملی ایران ۷۲۰۷۸۵۳۵ - م ۸۲

سروش دانش

نام کتاب	:	سبک‌شناسی معماری ایرانی
ناشر	:	سروش دانش
نویسنده	:	دکتر محمدکریم پیرنیا
تدوین و گردآوری	:	دکتر غلامحسین معماریان
ویراستار	:	مهندس علی محمد رنجبر کرمانی
چاپ چهارم	:	۱۳۸۴ (چاپ اول سروش دانش)
تیراژ	:	۳۰۰۰ نسخه
چاپ	:	سعدی
صحافی	:	نوری
قیمت	:	۴۲۰۰۰ ریال
شابک	:	۹۶۴-۹۶۱۱۳-۲-۰
ISBN	:	964-96113-2-0

این کتاب با همکاری نشر معمار به چاپ رسیده است.

مرکز پخش: سروش دانش

تهران: خیابان انقلاب - خیابان اردیبهشت - پلاک ۱۸۲

تلفن: ۶۴۶۶۹۰۰

فهرست:

۵.....	پیشگفتار
۲۰.....	دیباچه
۲۶.....	بخش اول: اصول معماری ایرانی
۳۸.....	بخش دوم: شیوه پارسی
۹۲.....	بخش سوم: شیوه پارسی
۱۳۰.....	بخش چهارم: شیوه خراسانی
۱۵۶.....	بخش پنجم: شیوه رازی
۲۰۴.....	بخش ششم: شیوه آذری
۲۷۰.....	بخش هفتم: شیوه اصفهانی
۳۵۰.....	واژه شناسی
۳۵۹.....	فهرست منابع
۳۶۰.....	فهرست منابع نگاره ها
۳۶۲.....	فهرست اثر استاد پیرنیا
۳۶۴.....	فهرست نامها

پیشگفتار

تاریخ چند هزار ساله معماری ایران، آنگونه که شایسته است مورد مطالعه و بررسی کفای قرار نگرفته است و در پی آن، معرفی آن نیز دچار سرنوشتی غم انگیزتر شده است. هر چند که افراد زیادی زندگی خود را وقف شناخت این معماری نموده اند، اما متأسفانه نتایج تحقیقاتشان بصورت مدون در اختیار دیگران قرار نگرفته است. بنظر می رسد این گروه را بیشتر باستانشناسان و متخصصین وابسته تشکیل دهند تا معماران. کفای است به دانشکده های معماری مراجعه شود و اساتیدی که به این کار مشغولند شمارش شوند. نتیجه کار مشخص است و این شاید در صدی بسیار ناچیز را در برگیرد.

ایران سرزمینی است که ارمغانهای متعددی به جهان معماری عرضه داشته است و باز متأسفانه خود دقیقاً نمی دانیم آنها چه هستند. اگر استاد بزرگ معماری ایتالیا، پروفیسور سن پائولزی بناهای سلطانی و ساتلاریا دل فیوره فلورانس را مقایسه نمی کرد، کدام ایرانی از تاثیر ساختمانی گنبد مقبره الجایتو بر گنبد کلیسای سلتا ماریا دلفیوره فلورانس باخبر بود؟ اگر در ایران درسی بنام معماری جهان تدریس می شود، آیا به جایگاه معماری ایران در معماری جهان اشاره می شود؟ آیا به ارمغانهای متعددی که این معماری به جهان ارائه داده است اشاره می شود؟ به دلایل بیشتر باید توجه بیشتری به تحقیق، مطالعه و معرفی این معماری شود.

استاد پیرنیا از نادر افرادی هستند که در چهل سال گذشته سعی در شناخت و شناساندن این معماری داشته است. اگر چه ایشان به بحث های گوناگونی پرداختند اما شاید بتوان یکی از مهم ترین آنها را سبک شناسی معماری ایرانی دانست.

سبک شناسی استاد پیرنیا، دارای ویژگیهای متعددی است. شاید بارزترین ویژگی سبک شناسی استاد در تشخیص سبکها با توجه به تفاوت های کیفی و کالبدی اندامهای معماری و با توجه به محل رواج آنها است. نمود این ویژگی در نام گذاری ایرانی سبکها دیده می شود. مستشرقین و برخی از محققین ایرانی سبکها را با نامهای بیگانه معرفی می کنند. نامیدن سبکها با نامهایی چون عرب، غزنوی، سلجوقی، مغول، تیموری و ... برای کشور و مردمی که خود تولید کننده سبک بوده اند دردآور است. در سرزمین ایران هنر معماری شکل می گیرد. هنرمند ایرانی آنرا به لوح خود می رساند و در نهایت قبایل و اقوامی که خود در بیابانگردی به سر می برند و برخی از آنها این ملت را قتل عام کردند و از سر آنها مناره ساختند، نام خود را بر آن هنر به یدک می کشند. شاید اگر آن اقوام چنین نامگذاری را می دیدند خود به شگفت می آمدند اما در عصر ما یکبار دیگر نام آنها زنده شد و اگر همین روش ادامه یابد برای آیندگان نیز زنده خواهد ماند. کفای است به تاریخ مراجعه نماییم و آنچه این اقوام بر سر ایران و مردم آن آوردند مرور نماییم:

انوری زبان حال مردم خراسان پس از حمله مغول را اینگونه بیان می کند:^۱

^۱ برای آگاهی بیشتر از جوری که مغولان به سر مردم ایران آوردند و شکوائیه های شاعران دیگر مراجعه کنید به پوران شجعی، صور معانی در مکتب درون گرایی، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۷۵، ص ۱۷ تا ۲۲.

خبرت هست کزین زیر و زیر شوم غزلان

نیست یک پی ز خراسان که نشد زیر و زیر؟

خبرت هست که از هرچه درو خیری بود

در همه ایران امروز نمائندست اثر؟

اشراف فراوان به معماری ایران از دیگر ویژگی های استاد پیرنیا بود که نمود آن در بحثهای سبک شناسی بخوبی دیده می شود. پرداختن به ریشه های معماری، سیر تحول آن و تغییراتی که در زمانها و مکانهای مختلف پیدا کرده بود به همراه مقایسه طرحهای مختلف با هم و ... نشانهایی از این اشراف می باشد.

افزون بر نامیدن سبکها به نامهایی چون پارسی، پارتی، خراسانی، رازی و ... استاد صدها واژه فارسی را به خوانندگان معرفی می کند. هرچند که در نگاه نخست کاربرد این واژه ها تا حدی فهم متن را سخت تر می کند اما با آشنا شدن به زبان معماری استاد این واژه ها در ذهن خواننده باقی می ماند و پس از مدتی او پی خواهد برد که کاربرد یک واژه ایرانی چگونه او را به پارسی خواندن مأنوس نموده و بتدریج او را تشویق به کاربرد کمتر واژه های بیگانه می کند.

استاد پیرنیا هیچگاه اعتقاد بر این نداشت که مطالب عرضه شده، بدون کاستی و خالی از ایراد بودند بلکه آنها را آغازی برای کارهای بعدی می دانستند اما در پس آنچه که ایشان در نوشته ها و درسهای خود ارائه دادند درس های اساسی نهفته است: صبر، تلاش، عشق، از خود گذشتگی، فروتنی و ... درس هایی است که او به شاگردان و مخاطبین خود داده است. شاگردان او در دهه شصت به یاد دارند که در اوج بیماری، چگونه ایشان در دانشکده حضور می یافتند و با لرزش دست خود بر تخته سیاه رقم می زدند. ثمره تلاش و کوشش او تنها نوشته های ایشان نبود بلکه از پس آنها، و تلاش نیم قرنه، تعداد زیادی شاگرد تربیت شدند که راه او را ادامه می دهند و انشاءالله نتایج کار این شاگردان کمبود موجود در زمینه معرفی معماری ایران را برطرف خواهد کرد.

نخستین بار استاد حدود ۳۵ سال پیش، سبک شناسی را با مقاله ای کوتاه معرفی کردند و پس از آن در دیگر مقالات، کتب و جزوات درسی درباره آن نگاشتند. سبک شناسی معماری ایران نخست در سال ۱۳۴۷ در مجله باستانشناسی و هنر ایران به چاپ رسید. سپس استاد در نوشته های گوناگون که نام آنها در آخر همین کتاب آمده است، آنرا گسترش دادند تا اینکه بخش بزرگی از یک نیم سال تحصیلی درس معماری اسلامی برخی از دانشکده ها به این بحث اختصاص داده شد. نگارنده بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ در کنار جناب آقای مهندس میرلطیفی استاد محترم گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا، افتخار همکاری در درس معماری اسلامی را با استاد بزرگوار داشت. در آن هنگام بیماری استاد اجازه نگارش کتاب را به ایشان نمی داد. بنابر وظیفه بزرگی که در قبال این استاد بزرگ و جامعه فرهنگی کشور احساس می کردم تصمیم به گردآوری درسهای ایشان گرفتم. برای این کار،

نخست از درسهای ایشان یادداشت برداشته شد و در جلسات هفتگی، کاستی های کار را با استاد مرور کرده و پس از آن صفحه آرایی ابتدایی از کار صورت می گرفت هر چند که استاد پیرنیا نظرات مشخصی درباره سبکهای گوناگون و بناهای آن داشتند اما در مراجعه دادن دانشجویان به متخصصین و صاحب نظران دیگر کوتاهی نمی کردند. هنگام بحث درباره مسجد جامع اصفهان و اردستان همیشه از دکتر بقیر آیت الله زاده شیرازی سخن می گفتند و یا درباره بناهای خراسان، دانشجویان را به آثار آقای مهندس یعقوب دانش دوست ارجاع می دادند.

نوشته ای که در پیش رو دارید، بخشی از نتایج بحثهای سبک شناسی استاد پیرنیا است که در حدود سه دهه مطرح شده است. برای تدوین این کتاب حدود پنج سال زمان صرف شد و از همکاری حدود صد نفر بهره گرفته شد. اگرچه کتابی با نام شیوه های معماری ایران* در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید، اما آن کتاب کاستی های زیادی داشت که متأسفانه بخش زیادی از آن به ناشر مربوط می شد. نوشته کنونی تا حد زیادی کاستی های کتاب پیشین را برطرف نموده است اما آشنایان با کار نشر آگاهند که بخش اصلی کیفیت چاپ یک اثر به نویسنده یا تدوین کننده بر نمی گردد.

چند ویژگی این کتاب به شرح زیر می باشد:

- ویرایش کامل متن پیشین.

- افزودن بخشهای تکمیلی به کار، برای حفظ امانت این افزوده ها در یک نیم ستون باریکتر

و با خطی با اندازه متفاوت آمده که آنرا از متن اصلی کاملاً مشخص می کند.

- تملی نگاره ها با زبانی دوباره شدند و نگاره های گویا و یکدست افزوده شده است.

- سعی شده تا خواننده به راحتی متن و نگاره ها را در کنار هم ببیند.

بدون شک کاستی های این کار به تدوین کننده برمی گردد. در اینجا پیشتر از خوانندگان محترم از وجود هرگونه کاستی پوزش می خواهم. هدف این بود تا کاری درخور از استاد پیرنیا به یادگار بماند. این کوچکترین کاریست که یک شاگرد در حق استاد خود می توانست انجام دهد. شاگردی که هر روز بخشی از زندگی خود را با یاد آن بزرگوار می گذراند.

خلوند بزرگ روح این عزیز را هر چه بیشتر شاد گرداند.

غلامحسین معماریان

دانشکده معماری و شهرسازی

دانشگاه علم و صنعت ایران

آذر ۱۳۸۳

نگاره های رنگی به ترتیب:

تخت جمشید: دروازه همه ملل (از کتاب ایران ۱)

مسجد جامع اصفهان: گنبد تاج الملک (از بهراد تندروی)

مسجد جامع اصفهان: ایوان صاحب (از مهدی هاتف)

نطنز: مقرنس سردر خنقاه شیخ عبدالصمد (از مهدی هاتف)

مسجد جامع اصفهان: ایوان شاگرد (از مهدی هاتف)

مسجد جامع اصفهان: گجبری شاه نشین ایوان درویش (از مهدی هاتف)

مسجد جامع اصفهان: محراب لولجایتو (از بهراد تندروی)

گنبد مسجد شیخ لطف الله (از بهراد تندروی)

قدردانی

خانواده محترم پیرنیا، به ویژه خاتم افسانه پیرنیا.

مسئولین محترم دانشکده معماری و شهرسازی و مرکز تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

آقای مهندس علی رنجبر برای ویرایش این کتاب.

آقای مهندس میرلطیفی استاد محترم دانشکده هنرهای زیبا.

آقای دکتر صادق ملک شه میرزادی.

آقای مهندس حسین مددی برای حمایت معنوی ایشان.

آقای حمید سهیلی هنرمند و کارگردان مستندهای معماری.

مسئولین محترم نشر پژوهنده و نشر معمار.

آقای تصدقیان، که در صفحه آرایی این کتاب تلاش بسیار نمودند.

دانشجویان سابق و مهندسين کنونی، از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، سال ۶۵ تا ۶۹.

دانشجویان سابق و مهندسين کنونی، از دانشکده هنرهای زیبا، سال ۶۸ تا ۶۹.

دانشجویان درس آشنایی با معماری اسلامی ایران، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، سال تحصیلی ۷۸ تا ۸۰.

آقایان رحمت الله رستمی، آرش نورانی، سید نعیم لورازانی، کامران ایمانی، محمود قربانی، امین کاظمی، مسعود علیرضایی، اشکان افشاری، مهدی رمضان نژاد، وحید قاضی نوری و ایمان رئوفی، دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران برای ترسیم مجدد برخی از نقشه های این کتاب.

و در پایان از همسر من که با بردباری خود زمینه ساز انجام این کار شد.

فهرست نام عزیزانی که در بخشهای مختلف این کتاب تدوین کننده را یاری نموده‌اند:

- ۱- آذریب، آمنه
- ۲- ابراهیمی، سید محمد
- ۳- زناوی، پریسا
- ۴- اظهاری، شهرزاد
- ۵- افشاری، اشکان
- ۶- استی، محمود
- ۷- امین، کاظمی
- ۸- امینی، کیا، تقی
- ۹- انصاری، عبدالعزیز
- ۱۰- ایمانی، کامران
- ۱۱- بالانکلی، فریا
- ۱۲- بالامیری، زهره
- ۱۳- بنی‌علمری، اکرم
- ۱۴- بیگلرلو، محمد علی
- ۱۵- پیروز، هاتف
- ۱۶- تمیمی،
- ۱۷- جهانشاهی، سوسن
- ۱۸- جلیلیان، مجید
- ۱۹- جواد زاده
- ۲۰- چیت سار
- ۲۱- حاجی محسن، صدیقه
- ۲۲- حسینی، شروین
- ۲۳- حسینی مقدم، علی
- ۲۴- حق‌گوی، شهین
- ۲۵- حیدری، ایرج
- ۲۶- خدیری، یار، رستم
- ۲۷- ربیعی، اسماء
- ۲۸- رستا
- ۲۹- رستمی، رحمت‌الله
- ۳۰- رضوی، بهنام
- ۳۱- رونوی، ایمان
- ۳۲- رفیع زاده، ننا
- ۳۳- رمضانی، حسن
- ۳۴- رجائی، مریم
- ۳۵- زارع سرج، محمد رجب
- ۳۶- مرحوم زرگری، منوچهر
- ۳۷- سرسنگی، علی‌آباد نرجس
- ۳۸- سلیمان، شمس‌الله
- ۳۹- سنجر موسوی، محمد تقی
- ۴۰- سید رضی، حسام‌الدین
- ۴۱- شهبازیان، سهراب
- ۴۲- صالحی، امیر
- ۴۳- صدرام، وحید
- ۴۵- عبدالله زاده، اسحاق
- ۴۶- عرفقیان، محمد جواد
- ۴۷- عزیز زاده، خالق
- ۴۸- عطایی، هومن
- ۴۹- علیرضایی، مسعود
- ۵۰- علیشاه، سعید
- ۵۱- فضل کریمی، مهدی
- ۵۲- قاضی نوری، وحید
- ۵۳- قراخلن، ناصر
- ۵۴- قربانی، محمود
- ۵۵- قهرمان
- ۵۶- کرکر، آنه قلیچ
- ۵۷- کشلی، مرجان
- ۵۸- کفیری، عبدالعزیز
- ۵۹- کمالکش، بهرام
- ۶۰- کیلی، وحید
- ۶۱- کیلی، مرجان
- ۶۲- گنجیان، حسین
- ۶۳- مامشی موفیان، صابر
- ۶۴- فتوحی، عبدالعزیز
- ۶۵- منیری، جلوبد، مرتضی
- ۶۶- مهرابی، بشرا بادی، حسن
- ۶۷- موحدی،
- ۶۸- مهاجری، حسین
- ۶۹- مهرابی، حسین
- ۷۰- مهرگان
- ۷۱- مهدیزاده، فاطمه
- ۷۲- میر، احمد علی
- ۷۳- میر محمدی نهرلی، نیوشا
- ۷۴- میلانی، فاطمه
- ۷۵- نازی دیزجی، سجاد
- ۷۶- ناصر تکلو، مسعود
- ۷۷- ناظمی، غلامرضا
- ۷۸- نجف زاده، کوروش
- ۷۹- نورلی، آرش
- ۸۰- نورافکن، سیما
- ۸۱- نوربخش، شیرین
- ۸۲- نیک سرشت لاریجانی، ذبیح‌الله
- ۸۳- واقفی،
- ۸۴- هنرور، نیلوفر

و با یوزش از آن عزیزانی که نام آنها از قلم افتاده است.

دیباچه

هنر و معماری در جهان پهنای اسلام دارای چهار "دبستان" یا شیوه^۱ بنیادی است. البته شیوه‌های فرعی دیگری در برخی کشورهای اسلامی مانند اندونزی نیز قابل بررسی است. این چهار شیوه چنین هستند:

۱- شیوه مصری: این شیوه از معماری کهن مصر ریشه گرفته است و در کشورهای اسلامی شرق آفریقا، مصر، سودان و کشورهای پیرامونی تا حجاز را در بر می‌گیرد که در آنجا با شیوه شامی برخورد می‌کند.

(نگاره ۱-۱)

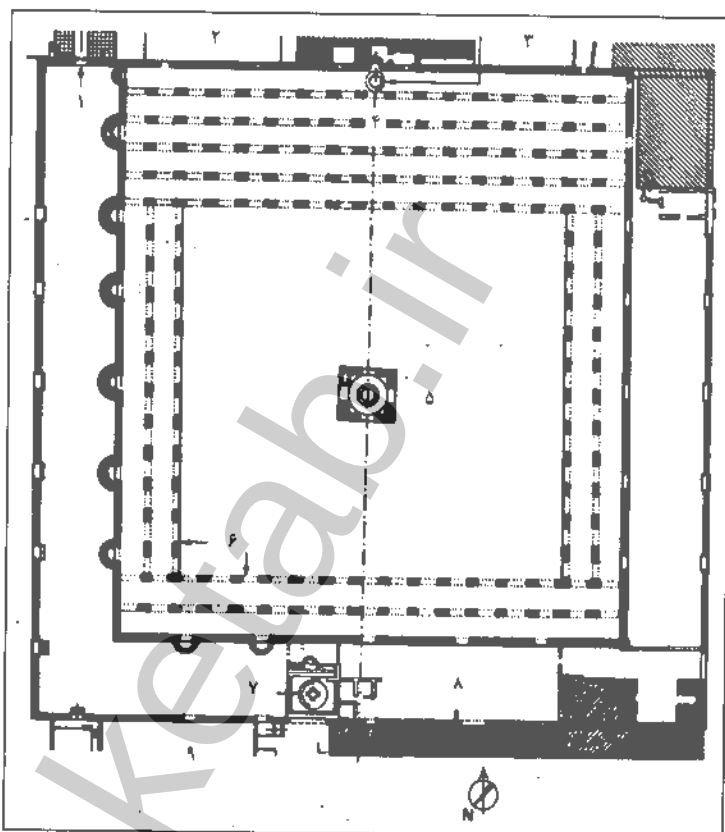
۲- شیوه شامی: این شیوه از هنر و معماری بیزانس ریشه گرفته و کشورهای سوریه، فلسطین، لبنان و اردن و بخشی از ترکیه را در بر می‌گیرد و دارای ویژگی‌های مشترکی با شیوه مصری است. این شیوه در عربستان با شیوه مصری در هم آمیخته شد و دستاورد آنها ساختمانهایی است که امروزه در مکه و مدینه دیده می‌شود.

(نگاره ۲-۱ تا ۲-۴)

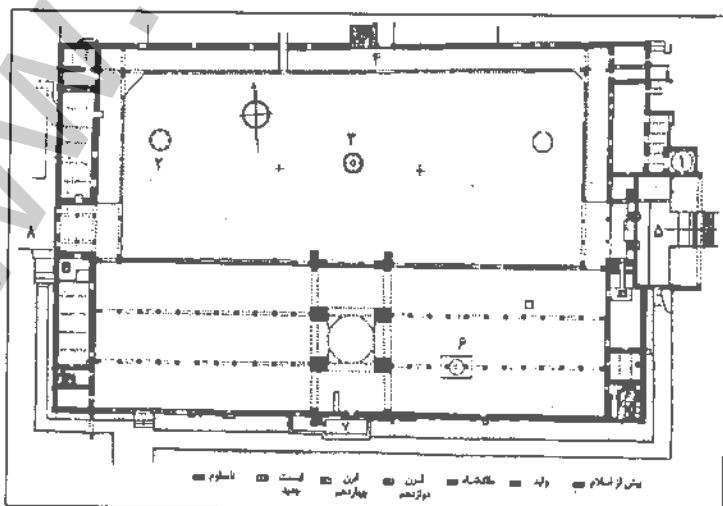
۳- شیوه مغربی: که شیوه‌ای بسیار پیشرفته و چشمگیر است و دربرگیرنده کشورهای مراکش امروز، الجزایر و جنوب اسپانیا می‌باشد.

^۱واژه "شیوه" در ایران برای بسیاری از هنرها مانند خطاطی، شاعری، نگارگری (نقاشی) و فرش بکار رفته و همان است که در هنر غربی به آن "استیل" style می‌گویند. اما در روزگار معاصر، پس از آنکه ملک-الشعرای بهار کتاب "سبک‌شناسی" را نوشت، واژه "سبک" جای شیوه را گرفت.

- ۱- ورودی
- ۲- محراب سینا نقیسه
- ۳- بقایای ساختمانی
- ۴- محراب و منبر
- ۵- وضوگاه
- ۶- تاق‌ها
- ۷- مناره
- ۸- بقایای ساختمانی چند متر زیر خاک
- ۹- مدرسه امیر سارغتمش

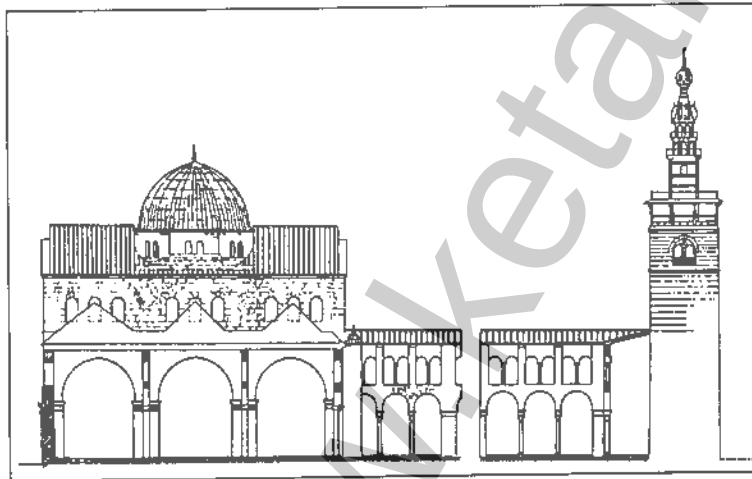
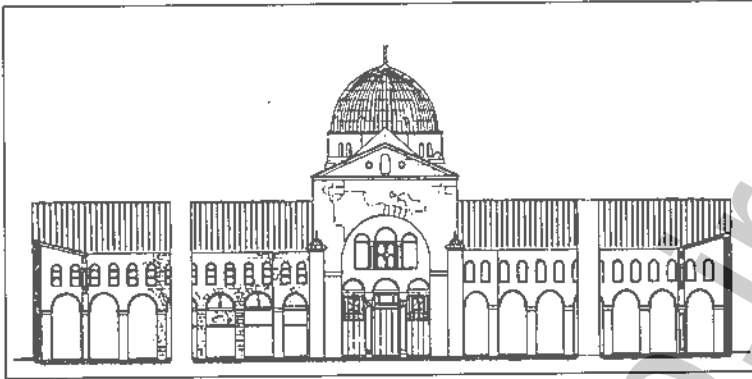


- ۱- زائس الحسین
- ۲- بیت‌المحل
- ۳- وضوگاه
- ۴- باب‌الفرمانیس
- ۵- باب‌جیلدن
- ۶- مزار سرویضای تصدیع‌دهنده
- ۷- کتابخانه
- ۸- باب‌البزید



نگاره د-۱: مصر، قاهره، نقشه مسجد جامع ابن طولون، ۲۶۲-۲۶۶ هجری (از کتب هنر اسلامی تیتوس برکهارت).

نگاره د-۲: دمشق، نقشه مسجد جامع، ۸۸ و ۹۶ هجری (از کتب هنر اسلامی تیتوس برکهارت).



نگاره د-۳:

دمشق، مسجد جامع، نما
(از کتب هنر اسلامی، تیتوس یو کهارت).

در این شیوه مسلمانان ایرانی سهم بسزایی داشته‌اند.^۱ شیوه مغربی یکی از شیوه‌های ارزشمند هنر و معماری اسلامی است. این شیوه بعدها به دو شاخه شد، یکی در شمال آفریقا برجای ماند و دیگری در اندلس پا گرفت. در جنوب اسپانیا، پس از گشایش آن بدست مسلمانان، ساختمانهای ارزشمندی مانند کاخ الحمراء در غرناطه ساخته شد و همه پژوهندگان باور دارند که این شیوه تأثیر بسیاری روی هنر و معماری

(نگاره د-۵)

^۱ نمونه‌هایی از بکارگیری عناصر ساختمانی ایرانی در این شیوه یافت می‌شود. برای نمونه دروازه شهر رباط. در این شیوه برای ساختن یک چفد بالای درگاه، همچون ایرانیان قالب می‌زدند، یا بالای درگاه را خورشیدی یا گلجام کار می‌کردند. در دو سوی جرزهای ایوان "بیلک" یا نیم ستون چسبیده به دیوار کار کرده و آنرا اذین می‌کردند (درسهای دانشگاه علم و صنعت ایران، استاد پیرنیا).

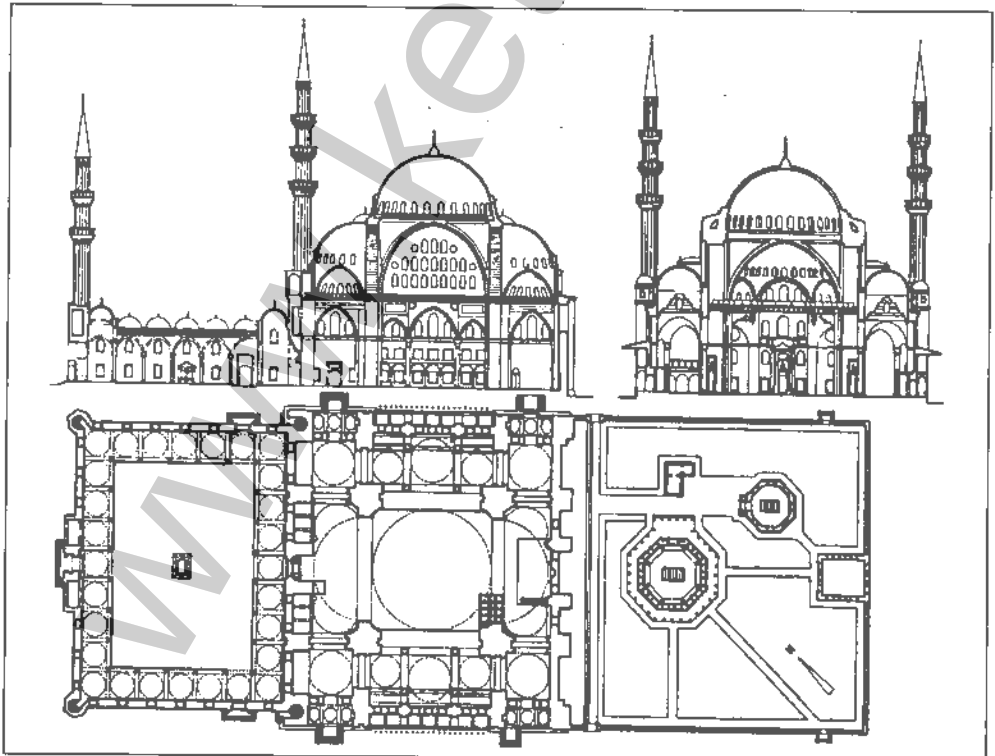
معماری اروپا داشته است. شاخه اندلسی پخته تر از شاخه مغربی شد. گرچه هر دو یک خاستگاه داشتند.

(نگاره ۶-د)

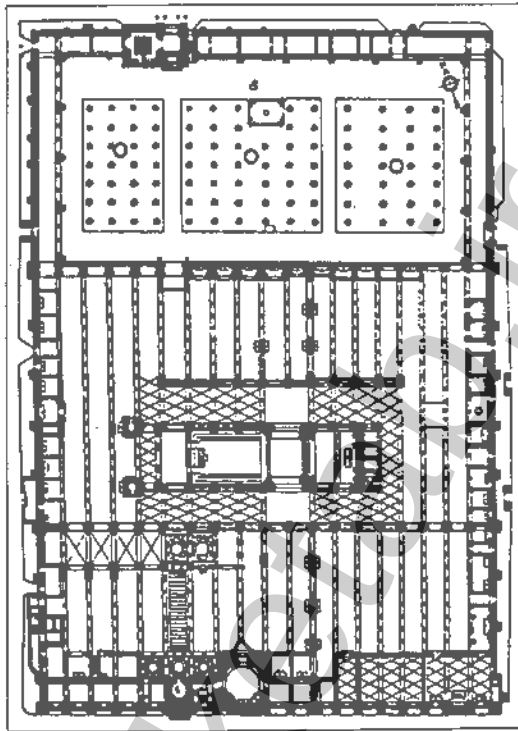
۴- شیوه ایرانی: این شیوه از همه ارزشمندتر و گسترده‌تر بوده و دربرگیرنده کشورهای میانرودان (عراق)، ایران، افغانستان، پاکستان، جمهوری های فرارودی (ماوراالنهر) ازبکستان، تاجیکستان و ... تا هند و اندونزی می باشد و همچنین شیخ نشین های پیرامون خلیج فارس (همچون عمان) و همه سرزمینهایی که ایرانیان در گسترش اسلام در آنها پیشگام بوده اند.

(نگاره ۷-د و ۸-د)

این نوشته درباره شیوه ایرانی و دگرگونی هایی است که در طول سه یا چهار هزار سال در معماری ایران رخ داده است. در این کتاب تلاش می شود افزون بر بررسی روش ها و شیوه هایی که معماران ایرانی بکار برده اند، منطق و انگیزه کار آنها و نکات درست و نادرست نیز بررسی شود.



نگاره ۴-د: نقشه مسجد سلیمان، قرن دهم هجری (کتاب هنر اسلامی، تیئوس برکهارت).



نگاره ۵-۵:
اسفانیة قرطبة، مسجد جامع
(کتاب هنر اسلامی، تنویر پورکھلات).

روشن است که پیشرفت فن ساختمان نسبت به شرایط زمانه سنجیده می شود. به گفته دیگر، در شرایط ویژه یک دوره با ویژگیهای اجتماعی خاص آن و دسترسی به ساختمایه (مصالح) خاص و... از چه روش هایی بهره گیری شده است و چرا؟ برای نمونه چرا معماران گذشته از عنصر ساختمانی ویژه ای چون گنبد، چنین گسترده بهره گیری می کردند.

سبک شناسی معماری ایرانی در طی شش شیوه بررسی می شود که در طول تاریخ کهن این کشور بگونه شگفتی پیوسته بدنبال هم پدیدار شده اند. هر هنری بیشتر بر پایه خاستگاه خود خوانده می شد. برای نمونه در شعر، شیوه عراقی، شیوه خراسانی و... پیدا شده و در قالی بافی هم بافت کاشان، بافت اصفهان و... گفته می شود. در معماری هم می توان این شش سبک را بر پایه خاستگاهشان نام گذاری کرد و آنها را چنین نامید: پارسی و پارتی از پیش از اسلام، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی از پس از اسلام. در بخش های آینده، این شیوه ها جداگانه بررسی می شود.